

M.A. LIBRARY, A.M.U.



FE3131

أَبْنَى لِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ



بِأَمْرِ اللَّهِ بِرَحْمَةٍ مِّنْهُ









و بعد از آن این را خطاب  
بهم که تو که در حقیت  
ایستادند که خدا ایشانرا  
عقلی قائل نیستند هیچ<sup>۴</sup>  
چون کسین و من  
دران فعل اندازند  
فعل بجای خود می گذارند  
طبیعتی نمی بخواند  
اخبار بر زبان

قدیم میباشد و بعضی از ایشان قائل اند که حق تعالی عقل اول را  
افزیده عقل اول عقل دوم و ملک اول او همچنین با عقل دوم  
و عقل دوم بدین عالم است لهذا آنکه علیهم السلام و اقوال ایشان کرده  
اند چنانچه حقیقتاً فرموده است کل یوم یوفی شان تا بداند که  
خدا در این عالم است و هر ساعت انواع تصرفات در هر مخلوقی  
و بدعا و تصدق و خیرات و بهارات و صلوات و رحام عمر و روزی  
و سایر تقدیرات تغییر می یابد و لهذا در او رفته است که عظم  
القدر یعنی تعظیم خدا نشده است چنانچه مانند قائل شدن  
بدان زیرا که خدا را صاحب اختیار و ماکشوف و مدبر تصرف خلق و  
دور او خود چنانچه او متوسل میشود و ایضا آیات و اخبار ظاهر میشود  
که خدا را در لوح است یکی لوح محفوظ که مطابق علم خداست و در آن  
نیز در دو دیگر لوح انبیا که در آن محو بعضی امور و اثبات امری  
چنانچه فرموده است که محو الله الشیء و ثبت و غنم الکتاب یعنی میگوید

و بعد از آن این کار را عجب  
که در دو مرتبه از آن  
تست که ایشان می‌نمودند  
در فعل و در سخن می‌نمودند  
و میگویند که فعل و سخن  
و از او می‌نمودند  
می‌نمودند و در فعل  
و در سخن می‌نمودند  
که او را از او می‌نمودند

و صاحب فن بابو  
دادو دامو بی  
کرده و مستطیع چند  
کرده که بنده را از  
تو کبیک بکوت از دواز  
صصبت و میگوید  
و از تو علمانی را پس  
شده اند

باین فانی  
 را که کلام از ایشان  
 خام به شود که ایشان  
 خالی میدانند  
 تا شیر خدا را در حال  
 عبودیت میگویند زیرا که  
 جبر و اختیار  
 در مشرک را تفاوتی نیست











که قیام قائم علیه السلام و انتقام از مخالفان بعد از آن ارسال مکه  
باز یاده خواهد بود ایشان ایوانی شدند بلکه اکثر ایشان دین میکشند  
نه در زمان حضرت صادق و شیعیان صاحبوسا و مظهر فرج بودند و بواسطه  
یافتند و اسیدوار بودند و دین ثابت می ماند چنانچه علی بن لطفین  
روایت کرده است که حضرت امام موسی علیه السلام فرمود که دولت سلسله  
که شیعیان از آن در تریب میگویند و لطفین بر علی چون استواریان عباس  
بود و پس از استواریان لطفین بود و لطفین پس از آن گفت که خبر داد  
بنی عباس که خبر داده اند و واقع شده و فرج شمارا که خبر دهند واقع شد  
علی بن لطفین گفت که آنچه باوشما گفتند هر روزی که بود و هر روز را  
ایده خبر داده اند و لیکن عده شمارید و شمارا که خبر داده اند و فرج واقع  
شد و عده فرج ما هنوز نرسیده است ما را باز و واسطه نگاه  
میدارند و راضی میسازند اگر با می گفتند که فرج شما نخواهد شد  
مگر تا ده و بیست سال پس بعد سال هجرت و بهای شما که میباشند اکثر مردم

[illegible]

یہاں ابن دودا  
راوی گفت ان امر  
میں فتوہ کر  
میں ابن سبت  
مردی راوی  
کہ مصنفے سبکدہ  
اور اپنی کتاب

و تو که نگوی پس چرا  
که انشی و کدشتی  
و او بجا آورد آن  
مسیحیت را برین  
نیست که چون تو او  
را منع نکردی و او  
آن مسیحیت را کرد  
تو از او امر کرده باشی  
بآن مسیحیت پس  
تو کلام که

که احوال و حال  
 و مندرج است در  
 فخران و توفیق  
 فیاض است که در آن  
 حضرت و توفیق  
 مدد و توفیق

و قدرت ایشان بر  
 معرفت ناپاک بشر  
 که ایشان را برین  
 الرضا افاد برین  
 مژده نوین  
 بنده اشاره برین  
 که در این  
 و قدرت ایشان بر

از اسلام برکشیده و لیکن گفتند بسیار نزدیک است و خواهد شد بر  
 ما ایضا که مردم و برای نزدیک کردن این فرج و در کتاب توحید  
 الاخبار رسیده است که حضرت امام رضا علیه السلام گفت بسیار است  
 که چه آنکار میکنی از بدامحال آنکه حقیقا میفرماید و لم یزالنا  
 خلقا من خلقکم کب شیاء ایلمنی بمید آید که ما خلق کردیم و از پیش  
 و آنچه هیچ چیز نمیفراید که بعد از این خلق هم بعید است که ابتدا از خلق  
 را پس علاوه میفرماید که از این بعد که بدیع الساعات و الارض نوید  
 آورنده آسمانها و زمین و فرمود که یزید فی خلق ما یثابرا و ه میکنند  
 خلق آنچه میخواهم و فرمود که بدیع الساعات من طین استبد کرد آید  
 انسان از کل و فرمود که چون لامر الله ما یعذبهم اما یستعذبون  
 و دیگران هستند که ناخیر شده است کار ایشان بر آید که که ایضا  
 میسند ایشان را یا قبول کند و یا ایشان را و به بخشد ایشان را و فرمود که ما  
 یعین ممر و لا نقیص من عمره الا کتاب و عمرنی باید عمرانده کم نمی

خدا غالب شده خواهد  
 بود این من شرک  
 است بعد از حدیث  
 و در گذشته که قدوم  
 میگویند که هر چه پیشتر  
 میخواند و این می شود  
 و هر چه خدا میخواند  
 و این می شود و  
 آنکه خداوند بکام  
 و هر چه که میفرماید  
 است و هر چه که  
 و هر چه که از این  
 و هر چه که از این  
 و هر چه که از این  
 و هر چه که از این

این کلام است که  
 خدایان میگویند که  
 این کلام است که  
 این کلام است که  
 این کلام است که  
 این کلام است که  
 این کلام است که  
 این کلام است که



۱۲  
 خداوند منم که در دلم  
 در عالم غیبی خفته ام  
 بگویند که اگر ایشان  
 خدای منم منم که در دلم  
 که این را حرف نباید زد  
 بگویند که اگر ایشان  
 که این را حرف نباید زد  
 بگویند که اگر ایشان  
 که این را حرف نباید زد

پادشاه بر روی تخت بدعا مشغول شد و چندان نصیر کرد که آن تخت  
بزرگ افتاد و گفت پروردگار امر انقدر مهلت ده که کودک من بزرگ  
شود و امر خود را بگوید که ای پسر خدا تعالی وحی کرد پس آن پسر  
که بر فرزند آن پادشاه و او را اعلام کن که من اجل آتیا خیر اند ختم  
و بر عمرش پانزده سال افزود و پسر گفت پروردگار را تو میدانی که  
من هرگز دروغ نگفتم ام خدا وحی فرمود که تو بنده و آنچه میفرماید  
باید اطاعت کنی بر و پیام مرا بیاور برسان و خدا سوال کرده ای نشنیدی  
آنرا آنچه کند پس حضرت امام ضاع علیه السلام با سیدان گفت که گمان  
داریم که در باب انکار یا تشبیه پیروان شده گفت نه بجا  
بر من از تشبیه یا انکار بشم مگر ایشان چه میکنند و فرمود که ایشان  
گویند که دست خدا بسته شده است و مراد ایشان آنست که امر عالم فرغ  
شده است و بکبر خیزی خدا میکنند پس خدا و ایشان گفت فلان پسر  
گفتو با ما قارواست ایشان بسته شده است و منو شد اینچنین گفتند و شنیدیم

کما انما اوصفتم بايادار  
اعمال ایشان در هر کاه خدا  
ایشان را ملک و پادشاه  
باشند و دولت و دود  
شتر گاه و خواسته بود  
و توفیق بسیار کنند که اگر  
ایشان مستقل باشند  
عقاب ایشان را فتح خواهد  
بود و حسب اینست که

به ایستادن و خدایان  
 منافات با اختیار ایشان  
 ندارد و هیچ چیز در میان  
 یکدیگر معدوم نیست و باید  
 که از آنکه بعضی را فاعل  
 فاعله بین آنها نمایند  
 و بعضی را مفعول و بعضی را  
 مفعول به و بعضی را مفعول

[illegible]









ف  
 ۳۵۹۶۵۹  
 CALL No. { ب ا ر ACC. No. ۳۱ ۳۱  
 AUTHOR باؤمجر  
 TITLE رسالہ ہداۃ جبر و لغو لغو

--	--	--	--



**MAULANA AZAD LIBRARY**  
**ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY**

**RULES:—**

1. The book must be returned on the date stamped above.
2. A fine of Re. 1-00 per volume per day shall be charged for text-books and 10 Paise per volume per day for general books kept over - due.

منب  
۶۶۳

پ ۱۱

۳۱ ۳۱

رساله پرا و نوری